

رمز جاودانگی انقلاب حسینی

در بستر تاریخ کشتار بیرحمانه زیادی رخ داده است، اما همه آن جنگ‌ها و جنایت‌ها در لا به لای کتاب‌های تاریخ دفن شده است و محققان باید نیش تاریخ کنند تا زوایای تاریک آن‌ها روشن و دانسته شود...



در بستر تاریخ کشتار بیرحمانه زیادی رخ داده است، اما همه آن جنگ‌ها و جنایت‌ها در لا به لای کتاب‌های تاریخ دفن شده است و محققان باید نیش تاریخ کنند تا زوایای تاریک آن‌ها روشن و دانسته شود که در قرن‌های گذشته بر این مرز و بوم چه گذشته است. صرف مظلوم بودن افراد مقتول، موجب ماندن آنان در حافظه روزگار نمی‌شود. بسیاری از مظلومان و ستمدیدگان تاریخ فراموش شده‌اند و اکنون نامی از آنان برجای نمانده است؛ کسی که برای کشورگشایی و هدف‌های غیر خدایی می‌جنگد، در تاریخ مدفون می‌شود.

تنها واقعه‌ای که چونان نگینی بر انگشتری تاریخ می‌درخشد و قدر اول آسمان جهاد و اجتهاد و قیام و اقدام است، همانا واقعه عاشورا است؛ زیرا سالار شهیدان برای احیای دین خدا قیام کرد و از آن‌جا که دین الهی [#171](#) «حی لایموت» است، احیاگر دین نیز هرگز نمی‌میرد و نامش برای همیشه بر جریده عالم ثبت است.

پس از واقعه کربلا و شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش، امویان چنین می‌پنداشتند که اسلام نابود شده است و دیگر نشانی از آن برجای نخواهد ماند. یزید سرخوش از این پندار خام، طبل نابودی دین بر کوفت و چنین سرود:

لعبت هاشم بالملك فلا **** خبر جاء و لا وحی نزل

یعنی دین و حکومت از بازیچه‌های بنی‌هاشم بود و اکنون جز افسانه‌ای از آن بر جای نمانده است. نه وحیی نازل شده و نه خبری آمده است؛ ولی پس از سخنان گهربار و حماسی امام سجاد (علیه‌السلام) و زینب (علیها‌السلام) یاوه‌های امویان باطل شد و دین، زندگی جاوید یافت.

زینب کبرا (علیها‌السلام) در دربار شام به امویان فرمودند: [#171](#)؛ به خدا سوگند! هر نیرنگی به کار بندید، هرگز نخواهید توانست نام و یاد ما را از خاطرها بزداييد». این سخن در اوج قدرت امویان بیان شد. در آن روزگار بخش‌های عمده آسیای میانه و بخش‌هایی از اروپا در قلمرو حکومت اموی بود و همه این بخش‌ها به یزید مالیات می‌پرداختند. دو ابرقدرت ایران و روم فروپاشیدند و زیر سلطه مسلمانان بودند و حکومت اموی تنها قدرت مطلق حاکم بر جهان بود. حضرت زینب (علیها‌السلام) در برابر چنین قدرتی، مقتدرانه چنین سخن گفت: [#171](#)؛ فکيد کيدک و أسع سعيک و ناصب جهدک فوالله لاتمحو ذکرنآ و لا تميت وحينآ» (1).

هنگامی که کاروان اسیران حادثه عاشورا به دروازه شام رسیدند، مردی از امام سجاد (علیه‌السلام) پرسید: در نبرد کربلا چه کسی پیروز شد؟ آن امام همام در پاسخ فرمودند: برای آگاهی از این امر، ببین هنگام اذان و اقامه نام چه کسی را می‌بری؛ [#171](#)؛ إذا أردت أن تعلم من غلب و دخل وقت الصلوة فأذن ثم أقم» (2).

نهضت عاشورا الهام بخش قیام امام خمینی (قدس سره) و حماسه بزرگ دفاع مقدس بوده و نیز به ملت ایران، اندیشه خردمندانه و انگیزه صادقانه بخشیده است. شرف ملی و دینی این ملت از سالار شهیدان است و دفاع هشت ساله ملت ایران رنگ و بوی کربلا داشت و در شب‌های عملیات از خط شکنان خاکریز مقدم، نوایی جز مرثیه [#171](#)؛ یا حسین» به گوش نمی‌رسید.

هرگز خیل عظیم انسان‌های مستضعف و فارغ از زرق و برق دنیا جان خویش را صرفاً در راه آب و خاک به خطر نمی‌اندازند؛ چنان که به هنگام جنگ جهانی دوم، وقتی کماندوهای شوروی خاک ایران را اشغال کرده بودند، مردم در برابر آنان به پا نخواستند. تنها انگیزه دفاع از عقیده و آیین الهی می‌تواند آفریننده چنین حماسه‌هایی باشد. البته در ظلّ حماسه دینی، تمام منابع و منافع و مصالح ملی تأمین می‌گردد؛ زیرا دین خدای سبحان همان‌طوری که سلطه‌گری را مطرود دانسته است، سلطه‌پذیری را ممنوع می‌داند و عرق ملی را تعدیل و در راه حفظ وطن و اعتلای میهن در پرتو قرآن و عترت، تحمیس و تهییج و تحریک می‌کند.

نام حسین (علیه‌السلام) از پس غبار سالیان و قرون، همچنان شهره جهان است و به آزادگان سراسر گیتی فروغ امید می‌بخشد. مراسم سوگ و ماتم سالار شهیدان به ایران اختصاص ندارد و در برخی کشورها بسیار پرشورتر و عاشقانه‌تر از ایران برگزار می‌شود. شیعیان هندوستان به عشق حسین (علیه‌السلام) و با مدد نام او، بر آتش گام می‌نهند و به فرمان خدای سبحان: یا نار کونی برداً و سلاماً (3)، آتش گداخته توان خود را نسبت به پیروان راستین خلیل الله از دست می‌دهد.

چندی پیش در سوریه، همایش شناخت صحیفه سجادیه برگزار شد و شاعری مسیحی از لبنان، در مدح و ستایش شخصیت والای امام زین العابدین (علیه‌السلام) که روزی آن حضرت را در همین شهر با زنجیر اسارت بسته وارد نمودند و مأسورانه به بارگاه اموی بردند، شعری خواند و عده‌ای را منقلب نمود. همه این‌ها نشان‌دهنده پیروزی خاندان پیامبر در کربلاست؛ زیرا با وجود گذشت سالیان دراز، نام و یاد و هدفشان زنده و پاینده است.

خلاصه آن‌که: 1. آنچه در قلمرو تاریخ طبیعی است، محکوم دگرگونی و زوال است. 2. آنچه صبغه فراطبیعی دارد، مصون از فناست. 3. سند این دو قضیه در متن آن‌ها نهفته است؛ زیرا منطقه طبیعتاً صحنه جهش، حرکت، برخورد و سرانجام، زوال است و ساحت

فراطبیعت میدان ثبات، تجرد، دوام و خلود است؛ ما عندکم ینفد و ما عند الله باق(4). چیزی که برای وجه خداست از آسیب سیلان و حرکت مصون است؛ کلّ شیءٍ هالکٍ إلا وجهه(5).

1 - مقتل لهوف، حوادث پس از شهادت.

2 - بحار الأنوار، ج 45، ص 177.

3 - سوره انبیاء، آیه 69.

4 - سوره نحل، آیه 96.

5 - سوره قصص، آیه 88.

شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص 224-227.